

## تاریخ شروع خلافت امام علی (ع) و بیعت با او:

### بازیابی منابع و اعتبارسنجی روایات یعقوبی<sup>۱</sup>

سمیه امین رعیا جزه<sup>۲</sup>

دانش آموخته دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

تاریخ یعقوبی اثر احمد بن ابی یعقوب (د ۲۸۴هـ) تاریخی عمومی است که به روش ترکیبی نگاشته شده؛ بدین معنی که با حذف زنجیره اسنادها و تلفیق محتوای چند روایت از یک رویداد گزارشی واحد و منسجم از آن عرضه کرده است. در این مقاله، روایات یعقوبی درباره تاریخ شروع خلافت امام علی (ع) و بیعت با او با دیگر منابع تاریخی بررسی و مقایسه شده تا روشن گردد، منابع یعقوبی کدام است؟ آیا این منابع اعتبار و وثاقت کافی دارند؟ و مهم تر این که معیار یعقوبی برای گزینش روایات چه بوده است؟ یافته های این پژوهش حاکی از آن است که روایات یعقوبی در باب سال، ماه و روز کشته شدن عثمان، نخستین بیعت کننده (طَلْحَه) و... هم سو با سایر منابع و معتبر است. البته در جاهایی مانند بیعت همه مردم با علی (ع) جز سه تن از قریش، نقش پنج تن از نمایندگان انصار در بیعت با علی (ع) و... متأثر از گرایش های شیعی یا دلایل ناشناخته دیگر گزارش هایی متفاوت و گاه شاذ ارائه کرده که منبع آن ها مشخص نیست.

**کلیدواژه ها:** تاریخ نگاری یعقوبی، تاریخ یعقوبی، علی (ع)، تاریخ نگاری شیعی، اعتبارسنجی روایات.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۶

۲. رایانامه: Somayehaminroaya@gmail.com (این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده با عنوان «بازیابی منابع و اعتبارسنجی روایات تاریخ یعقوبی: زندگی و کارنامه علی بن ابی طالب (ع)» است که در ۱۴۰۱/۱۱/۱۹ با راهنمایی دکتر هادی عالم زاده و دکتر یونس فرهمند و مشاوره دکتر معصوم علی پنجه در دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران به انجام رسیده است.)

### مقدمه

احمد بن ابی یعقوب اسحاق بن جعفر بن واضح یعقوبی (د ۲۸۴هـ) معروف به «کاتب عباسی» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۴۸/۱) مورّخ، جغرافی‌دان (زرکلی، ۱۹۸۹: ۹۵/۱) و شاعر بوده است (ثعالبی، ۱۴۱۳: ۳/۳۴۹). وی در عصر دوم عباسی (حک ۲۳۲-۳۳۴هـ) موفق شد تاریخ جهان را از آغاز (آدم نبی ع) تا سال ۲۵۹هـ و اوایل خلافت معتمد عباسی (حک ۲۵۶-۲۷۹هـ) به رشته تحریر درآورد؛ تاریخ او مشتمل بر دو «کتاب» است: «کتاب اول» به تاریخ قبل از اسلام و «کتاب دوم» به تاریخ اسلام (از تولد پیامبر (ص) تا اوایل خلافت معتمد عباسی) اختصاص دارد (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۲/۵-۶). یعقوبی بر خلاف مورخان چون طبری (د ۳۱۰هـ) که گزارش‌های تاریخی را به روش روایی و با سلسله اسناد و به صورت مُعَنَن<sup>۳</sup> گاه از چند طریق، روایت می‌کنند با مقایسه و ترکیب و ایجاد سازگاری میان روایات گوناگون، واقعه تاریخی را طی یک روایت منسجم گزارش می‌کند (برای اطلاع از روش یعقوبی در تاریخ‌نگاری به عنوان نمونه نک. سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۸۰: ۴۳-۴۴). مسئله اصلی این پژوهش شناسایی منابع ناشناخته و اعتبارسنجی روایات یعقوبی در خصوص تاریخ شروع خلافت امام علی (ع) و بیعت با او است. از آنجا که یعقوبی منابع و اسناد حوادث تاریخی را جز به ندرت ذکر نمی‌کند، شناسایی کامل این منابع و اسناد دشوار است؛ از این روی، این پژوهش بر آن است تا بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و روش تاریخی با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تطابق روایات تاریخی تاریخ یعقوبی در خصوص تاریخ شروع خلافت امام علی (ع) و بیعت با او با منابع تاریخی در یابد منابع یعقوبی کدام است؟ آیا این منابع اعتبار و وثاقت کافی دارند؟ و مهم‌تر این که معیار یعقوبی برای گزینش روایات چه بوده است؟ در این پژوهش روایات تاریخی بر حسب نظم کتاب بررسی شده‌اند.

۳. حدیث مُعَنَن حدیثی است که در سند آن گفته شود: فلان عن فلان؛ بدون این که به سماع یا تحدیث یا اخبار درباره روایت اشخاص معروفی که یاد شده‌اند، تصریح شده باشد (العاملی، بی تا: ۱/۱۰۰).

### پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه پژوهش درباره یعقوبی و روش او در تاریخ‌نگاری آثاری در دست است: یاسین ابراهیم علی الجعفری در الیعقوبی، المؤرخ و الجغرافی (۱۹۸۰)؛ هربرت برگ<sup>۴</sup> در روش و نظریه مطالعه خاستگاه‌های اسلامی<sup>۵</sup> (۱۹۸۶)؛ آر. استیفن هامفریز<sup>۶</sup> در مقاله‌ای تحت عنوان «تاریخ» (۱۹۸۶)؛ محمد قاسم زمان در مقاله «الیعقوبی» (۱۹۸۶) و حسین عاصی در الیعقوبی، عصره، سیره حیاتیه، منهجه تاریخی (۱۹۹۲) به طور موجز و بی‌هیچ تحلیلی به رویکرد یعقوبی به تاریخ و گرایش مذهبی-سیاسی وی و تأثیر آن در تاریخ‌نگاری او توجه نموده‌اند. همچنین طیب الحبري در مثل و سیاست در تاریخ صدر اسلام: خلفای راشدین<sup>۷</sup> (۲۰۱۰) با بررسی گزارش‌ها درباره خلفای راشدین در سنت تاریخ‌نگاری اسلامی، منابع روایی نخستین را فاقد اطلاعات تاریخی واقعی در دوره نخستین اسلامی معرفی کرده‌است. افزون بر این، مقالاتی مانند «چگونگی بیعت با امام علی(ع)» (۱۳۸۵) از علی کریمی؛ «استنکاف ابتدایی و پذیرش نهایی خلافت از سوی امام علی(ع)» (۱۳۹۳) از یدالله حاجی زاده به چاپ رسیده که به گزارش‌های یعقوبی استناد کرده‌اند؛ اما روایات وی را ارزیابی نکرده و دقت کافی و اهتمام وافی به کار نبسته‌اند.

### منابع یعقوبی و تاریخ‌گذاری رویدادها

در خور ذکر است اگرچه یعقوبی جز در مواردی اندک ضمن نقل روایات، مثلاً «گفتگوی عبدالرحمن بن سَوید با ابوموسی اشعری در جنگ صفین» (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۹۰/۲) به هیچ یک از منابع روایی خود اشاره نمی‌کند؛ اما می‌توان گزارش‌های مربوط به تاریخ ولادت،

---

4. Herbert-Berge

5. *Method and Theory in The Study of Islamic Origins*

6. R. Stephen Humphreys

7. *Parable and Politic in Early Islamic History: The Rashidun Caliphs*

بعثت، ورود به مدینه و رحلت پیامبر (ص) و نیز تاریخ شروع خلافت<sup>۸</sup> خلفای راشدین (جز ابوبکر) را به دلیل مشخص بودن منبع آن‌ها از بقیه مستثنی کرد (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۸/۲، ۲۲، ۴۱، ۱۱۳-۱۱۴، ۱۳۹، ۱۶۲، ۱۷۸)؛ زیرا یعقوبی در تعیین طالع سال‌ها و زمان‌ها و تبدیل ماه قمری به شمسی \_ نه در نقل گزارش‌های تاریخی \_ از مستخرجات نجومی محمد بن موسی خوارزمی (د بعد از ۲۳۳هـ)، ریاضی دان، منجم و مؤرخ زمان مأمون عباسی (ندیم، بی تا: ۳۸۳؛ کراچکوفسکی، ۱۳۷۹: ۷۶-۷۷) و ماشاءالله بن آثری (د. حدود ۲۰۰هـ)، حکیم و منجم یهودی زمان منصور تا مأمون عباسی (ندیم، بی تا: ۳۸۲؛ گحاله، ۱۳۷۶: ۱۶۷/۸) استفاده کرده است.

### تاریخ شروع خلافت امام علی (ع) و بیعت با او

بررسی‌ها نشان می‌دهد که یعقوبی موضوعات مربوط به تاریخ شروع خلافت علی (ع) و بیعت با او را در یازده روایت فاقد سند گزارش کرده و در سه روایت بر نخستین بیعت کننده، طلحه، تأکید کرده است. برای بازیابی منابع این روایات و اعتبارسنجی آن‌ها کتب مؤثق و معتبر هم‌عصر و متأخر از یعقوبی اساس قرار گرفته است که شامل سیزده اثر تاریخی: الطبقات الکبری ابن سعد، تاریخ خلیفه بن خیط، الامامة و السياسة ابن قتیبه، انساب الاشراف بلاذری، اخبار الطوال دینوری، تاریخ الطبری، الفتوح ابن اعثم، مروج الذهب مسعودی، التنبیه و الاشراف مسعودی، السیره النبویه و اخبار الخلفاء ابن حبان، الاستیعاب فی معرفة الاصحاح ابن عبدالبر، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و تاریخ الحمیس فی احوال انفس النفیس دیار بکری می‌باشد. از آنجا که برخی از این سیزده منبع همه روایات مذکور در تاریخ یعقوبی را نیاورده‌اند، در ارزیابی آن روایات فقط از منابعی استفاده شده که درباره هر روایت گزارشی را آورده‌اند. در این پژوهش پس از یادکرد اجمالی یکایک روایات،

۸. در خور ذکر است که یعقوبی فقط از حکومت علی (ع) با عنوان «خلافت» یاد کرده و حکومت سه خلیفه پیش از او را «ایام/دوران» نامیده و لقب «امیرالمؤمنین» را نیز تنها برای علی (ع) به کار برده است (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۷۸/۲).

نخست منبع هر یک از روایات را شناسایی و پس از بررسی و مقایسه آن، دلایل و معیارهای گزینش روایت از سوی یعقوبی بیان می‌شود.

### روایت اول تا سوم: تاریخ قتل عثمان و آغاز خلافت

در باره زمان کشته شدن عثمان دو روایت در تاریخ یعقوبی آمده است. در روایت نخست گفته: «عثمان چهل روز محاصره بود و دوازده شب مانده از ذی الحجه سال ۳۵ در هشتاد و سه سالگی و به قولی هشتاد و شش سالگی کشته شد...»<sup>۹</sup> و در روایتی دیگر بی اشاره به ماه و روز، قتل عثمان را در سال ۳۵ دانسته است (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۷۶/۲). در باره تاریخ شروع خلافت علی (ع) آمده: «علی بن ابی طالب بن عبد المطلب، مادرش فاطمه دختر اسد بن بن هاشم بن عبد مناف، روز سه شنبه هفت شب مانده از ذی الحجه سال ۳۵، و از ماه‌های عجم در حَزیران به خلافت برگزیده شد؛ و آن روز، خورشید در جَوَاز بود ۲۶ درجه و ۴۰ دقیقه، و قمر در دَلو و ۴۰ دقیقه [برابر با ۲۶ خرداد] و زُحَل در سنبله ۲۵ درجه، و مریخ در جدی ۷ درجه...» (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۷۸/۲).

همه منابع برآنند که علی (ع) در ماه ذی الحجه به خلافت رسیده؛ اما درباره زمان قتل عثمان (۳۵ یا ۳۶ هـ) و تاریخ شروع خلافت علی (ع) اختلاف نظر دارند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۲/۳؛ خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵: ۱۸۰؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۱۴۰؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۱۵-۴۱۷، ۴۲۷، ۴۳۶؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۴۹/۲؛ همو، بی تا: ۲۵۵). بنا بر بررسی‌ها روایت یعقوبی در باب سال، ماه و روز کشته شدن عثمان با روایات طبری هم‌سو است. طبری ده روایت کمابیش متشابه<sup>۱۰</sup> آورده است. در سه روایت به نقل از راویان ناشناسی، در یک روایت به نقل

۹. در ترجمه متن یعقوبی به فارسی عین جملات و عبارات ترجمه شادروان دکتر محمد ابراهیم آیتی بیرجندی در داخل گیومه نقل شده و در مواردی بر حسب ضرورت کلمه یا کلماتی در داخل کروشه به ترجمه او اضافه شده است.

۱۰. نک به روایت طبری: «قُتِلَ عُمَانُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ صَحْوَةً أَوْ فِي آخِرِ سَاعَةِ لَيْثَمَانِي عَشْرَةَ لَيْلَةً مَضَتْ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ سَنَةِ خَمْسٍ وَ ثَلَاثِينَ» (طبری، ۱۳۸۷: ۴۱۷/۴).

از جعفر بن عبدالله و با واسطه از عامر بن شعبی، در یک روایت به نقل از احمد بن ثابت رازی و با واسطه از ابو معشر، در دو روایت به مکاتبه از هناد بن سری و با واسطه از ابو عثمان و ابوطلحه، در یک روایت به نقل از زکریا بن عدی و با واسطه از ابن عقیل، در یک روایت به نقل از هشام بن سائب کلبی<sup>۱۱</sup> و در یک روایت به نقل از حارث و با واسطه از مخرمه بن سلیمان گفته: عثمان در ساعات نخستین یا واپسین روز جمعه، ۱۸ ذر الحجه سال ۳۵ هـ به قتل رسید [تصادفا هم‌زمان با روز غدیر خم].

بررسی‌ها نشان می‌دهد که جعفر بن عبدالله بن حکم بن سنان مدنی (د نامشخص) از اتباع تابعین و زکریا بن عدی کوفی (د ۲۱۲ هـ) و هناد بن سری (د ۲۴۳ هـ) از اتباع تابعین و از ثقات به شمار آمده‌اند (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۱۳۵/۶، ۲۴۶/۹؛ ابن حجر، ۱۳۲۵: ۹۹/۲، ۷۱/۱۱). افزون بر این، احمد بن ثابت رازی از مشایخ ناشناخته طبری بوده و مراد وی از این‌که حارث کدام یک از این دو تن بوده‌اند: حارث بن اسد محاسبی (د ۲۴۳ هـ) یا حارث بن معقل همدانی (د ۲۵۶ هـ) مشخص نیست؛ اما هر دو از راویان ثقه به شمار آمده‌اند (ابن حجر، ۱۳۲۵: ۱۳۵/۲). بر پایه این گزارش‌ها به روایات طبری به نقل از راویان ناشناخته (احمد بن ثابت رازی و جز او) نمی‌توان استناد کرد.

انطباق روایات یعقوبی در باب سال، ماه و روز کشته شدن عثمان با روایات طبری و درباره تاریخ آغاز خلافت (جز در مورد سه شنبه، روز به خلافت رسیدن علی (ع)) با روایات همه منابع و عدم تعارض آن‌ها با دیگر روایات به صحت و قوت گزارش‌های یعقوبی می‌افزاید.

۱۱. ابومنذر هشام بن محمد بن سائب کلبی (د ۲۰۴ یا ۲۰۶ هـ) در شمار بزرگ‌ترین مورخان دوره اسلامی است. منابع رجالی شیعی او را از اصحاب امام صادق (ع) دانسته و منابع رجالی سنی و کتب تراجم وی را به دلیل پابندیش به روش‌های تاریخی و نیز به دلیل شیعه بودن یا دست‌کم گرایش‌های شیعی، «ضعیف»، «متروک الحدیث» و «رافضی غیر ثقه» به شمار آورده‌اند (ندیم، بی‌تا: ۱۶۱-۱۶۴؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۴-۴۵/۴۶-۴۷؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۳۴؛ خویی، ۱۴۱۳: ۳۳۶/۲؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۳: ۲۷۹۹/۶؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۵-۲۹/۴۳-۴۴؛ همو، بی‌تا: ۷۱۱/۲).

روایت چهارم: طَلْحَه وَ زُبَیْر وَ مَهْجَرَان وَ انصَار با علی (ع) بیعت کردند (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۷۸/۲).

ماجرای بیعت با علی (ع) را در دیگر منابع به شکلی کامل تر می توان یافت. بلاذری (۱۹۷۴: ۲/۲۱۰) در دو روایت به نقل از عمرو بن محمد و اسحاق بن یوسف و با واسطه از محمد بن حنفیه، دینوری (۱۳۶۸: ۱۴۰) در یک روایت به نقل از راوی ناشناسی و طبری (۱۳۸۷: ۴/۴۲۷-۴۲۸) در سه روایت کمابیش متفاوت، در یک روایت به نقل از جعفر بن عبدالله و با واسطه از محمد بن حنفیه و در دو روایت به نقل از جعفر بن عبدالله و با واسطه از ابوبشیر عابدی گفته اند: پس از کشته شدن عثمان جمعی از صحابه به پیش علی (ع) آمده و گفتند: «ما سزاوارتر از تو به خلافت، کسی را نمی شناسیم؛ پس علی گفت: "بیعت باید عمومی و در مسجد و با رضایت مسلمانان باشد"» و در ادامه تنها در روایت طبری آمده که مردم علی (ع) را وادار به پذیرفتن خلافت کرده و وی با کراهت آن را پذیرفته و با تعهد این که مردم کاملاً با او همراهی کنند حکومت را قبول کرده است (همانجاها). افزون بر این، در برخی منابع در این که علی (ع) بیعت را متعلق به اصحاب بدر دانسته (ابن حبان، ۱۴۱۷: ۲/۵۲۲؛ دیار بگری، بی تا: ۲/۲۶۲) و هیچ کس را مجبور به پذیرش بیعت نکرده (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۴۳؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۲/۴۴۱) تأکید شده است.

بنا بر بررسی ها روایت نخست یعقوبی با روایت طبری هم سو است. در صورتی که منبع روایت طبری و یعقوبی را یکی بدانیم، طبری از جعفر بن عبدالله و با واسطه از ابوبشیر عابدی نقل کرده که پس از کشته شدن عثمان مهاجرین و انصار و از جمله طلحه و زبیر به پیش علی (ع) آمده و بیعت کردند (طبری ۱۳۸۷: ۴/۴۲۷).

روایت پنجم: بیعت طَلْحَه بن عبیدالله با علی (ع): «نخستین کسی که با او بیعت کرد و دست بر دست وی زد، طلحه بن عبیدالله بود. پس مردی از بنی اسد گفت: "نخستین دستی که بیعت نمود دستی فلج یا دستی ناقص است"» (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۷۸/۲).

بررسی‌ها دلالت دارد که روایت دوم یعقوبی با روایات بلاذری و طبری مطابقت دارد. در صورتی که روایت بلاذری را منبع یعقوبی بدانیم، بلاذری (۱۹۷۴: ۲۰۵/۲-۲۰۷) از خَلَف بن سالم مَخَرَمی<sup>۱۲</sup> و با واسطه از صالح بن کیسان و در صورتی که روایت طبری را منبعی مستقل تلقی کنیم، طبری (۱۳۸۷: ۴/۴۲۸) از عمر بن شَبَّه<sup>۱۳</sup> و با واسطه از ابوملیح آورده‌اند که پس از کشته شدن عثمان، طلحه و زبیر با علی(ع) بیعت کردند و وقتی طلحه بیعت می‌کرد، حبیب بن ذُوَیْب/ قَبِیصَة بن ذُوَیْب<sup>۱۴</sup> گفت: «بیعت از کسی آغاز شد که دستش چُلاق است این کار سر نمی‌گیرد». در خور ذکر است که طبری در دو روایت، در یک روایت به نقل از زُهری و در روایتی دیگر به نقل از ابن سعد و با واسطه از سعد بن ابی وقاص از تَعَلَّل طلحه در بیعت با علی(ع) یاد کرده‌است (طبری، ۱۳۸۷: ۴/۴۲۹، ۴۳۱).

یعقوبی به حکم گرایش شیعی خود و با اعتماد به وثاقت راویان، نخست تنها آن بخش از روایات بلاذری و طبری را آورده که به بیعت طلحه اشاره داشته و از نافرجامی بیعت او سخن نگفته؛ دیگر این که برخلاف طبری از تَعَلَّل طلحه یاد نکرده تا جایگاه شایسته علی(ع) را بیش از پیش، ترفیع دهد.

**روایت ششم:** بیعت مالک اشتر با علی(ع) و تصدّی وی در بیعت از کوفیان است (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۲/۱۷۸).

۱۲. خَلَف بن سالم مَخَرَمی (د ۲۳۱هـ) از اتباع تابعینی است که در بغداد اقامت گزید. وی را کثیر الحدیث و از ثقات دانسته‌اند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۷/۲۵۳؛ ابن حِبَّان، ۱۳۹۳: ۸/۲۲۸؛ ابن حجر، ۱۳۲۵: ۳/۱۵۳).

۱۳. عمر بن شَبَّه معروف به نُمیری (د ۲۶۲هـ) ادیب، شاعر و محدّث بصری است. وی را از جمله ثقات به شمار آورده‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۱/۲۰۸-۲۰۹؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ۱/۶۷).

۱۴. ابوسعید/ ابواسحاق قَبِیصَة بن ذُوَیْب خُزاعی مدنی دمشقی (د ۸۶ یا ۸۷هـ) از فقهای بزرگ و مسنول مهر و پست عبدالملک بن مروان (حک ۶۵-۸۶هـ) بوده که در واقعه حَرّه مجروح شده و در باب البرید سکنی گزیده بوده‌است. جمعی از رجال شناسان مانند مَجالد بن سعید، امام شعبی، ابن لَهِیع و دیگران وی را از علمای امت و داناترین فرد در قضاوت دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۲۷: ۵/۱۶۲).



در باب روایت سوم جز از ابن ابی الحدید روایتی در دست نیست: او در ضمن بیان خطبه علی (ع) در ذی قار<sup>۱۵</sup> از ابو مخنف لوط بن یحیی و از او به نقل از زید بن صوحان<sup>۱۶</sup> روایت کرده که اشتر پس از اقرار به برتری علی (ع) با وی بیعت کرده است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۳۱۰/۱).

یعقوبی تنها به نقل روایتی از زید بن صوحان بسنده کرده و احتمالاً به دلیل علائق شیعی و به منظور بارز شدن نقش اشتر یا عدم دسترسی به منبعی دیگر، تصدی وی از سوی کوفیان را خود به روایت افزوده باشد.

**روایت هفتم:** بیعت طلحه و زبیر با علی (ع) و تصدی ایشان در بیعت از مهاجرین و انصار است (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۷۸/۲).

در باب روایت چهارم جز از ابن قتیبه، بلاذری و طبری روایاتی در دست نیست: ابن قتیبه (۱۴۱۰: ۱۷۱/۱) به نقل از راوی ناشناسی، بلاذری (۱۹۷۴: ۲۰۹/۲) در یک روایت به نقل از ابو مخنف و طبری (۱۳۸۷: ۴۲۹/۴) در روایتی به نقل از احمد بن زهیر و با واسطه از زهری از درخواست حکومت کوفه و بصره از سوی طلحه و زبیر یاد کرده‌اند. افزون بر این، طبری (۱۳۸۷: ۴۲۹/۴-۴۳۰) در سه روایت، در یک روایت به نقل از احمد بن زهیر و با واسطه از زهری و در دو روایت به مکاتبه از هناد بن سری و از او به نقل از شعیب و از او به نقل از سیف آورده که طلحه و زبیر نابه‌دلخواه با علی (ع) بیعت کردند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که ابو مخنف لوط بن یحیی (د ۱۵۷هـ) از تابعین کوفی و احمد

---

۱۵. منطقه‌ای بین بصره و کوفه در جنوب عراق است؛ در این منطقه چاه آبی متعلق به بکر بن وائل بوده که ذوقار نام داشته است (یاقوت حموی، بی تا: ۲۹۳/۴).

۱۶. زید بن صوحان (د ۳۶هـ) مکتبی به ابوسلیمان/ابوعایشه از اصحاب امام علی (ع) و از تابعین کوفی به شمار می‌آید. وی را «کثیر الحدیث» و «ثقه» دانسته‌اند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۷۸/۶؛ ابن جبان، ۱۳۹۳: ۲۴۹/۴؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۳: ۶۴).

بن زُهَیر بن عمرو بن خَیثمَه (د نامشخص) از اتباعِ اتباعِ تابعین به شمار می‌آیند (ابن حِبّان، ۱۳۹۳: ۵۵/۸). منابع رجالی، احمد بن زهیر را «ثقه» و «صدوق» و لوط بن یحیی را «ضعیف» و «متروک الحدیث»<sup>۱۷</sup> دانسته‌اند (ابوحاتم، ۱۲۷۱: ۵۲/۲؛ دارقطنی، ۱۳۷۳: ۱۲۸/۳؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ۱۰/۷). اگرچه هَنّاد بن سَریّ از روایان ثقه به شمار می‌آید؛ اما به روایاتی که طبری به نقل از سیف بن عمر تمیمی اُسیدی کوفی از طریق شیخ خود سَریّ نقل کرده به دلیل ضعیف و متروک الحدیث بودنِ سیف (دارقطنی، ۱۳۷۳: ۱۵۷/۲؛ ابوحاتم، ۱۲۷۱: ۲۷۸/۴) نمی‌توان استناد کرد.

بر پایه این گزارش‌ها اگرچه روایت یعقوبی کمابیش با روایات طبری به نقل از احمد بن زُهَیر مطابقت دارد؛ اما در گزارش یعقوبی تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود؛ نخست این‌که از نابه‌دلخواه بودن بیعت طلحه و زبیر سخن نگفته و حتی از درخواست این دو برای حکومت بصره و کوفه یاد نکرده است؛ دیگر این‌که به منظور ارتقاء منزلت علی (ع) و علاقه مهاجرین و انصار به بیعت با او تصدّی ایشان را بر خلاف آنچه طبری و سایر منابع گفته‌اند، به روایت افزوده است.

**روایت هشتم:** بیعت ابوالهیثم بن تیّهان، عُقبه بن عمرو و ابویوب با علی (ع) و تصدّی ایشان در بیعت از انصار و سایر قریش است (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۷۸/۲).

در منابع اساس این پژوهش، جز از ابن اعثم و ابن ابی الحدید روایتی در دست نیست: ابن اعثم (۱۴۱۱: ۴۳۴/۲) به نقل از راوی ناشناسی و ابن ابی الحدید (۱۴۰۴: ۳۶/۷) به نقل از امام باقر (ع) از تمایل پنج تن از انصار (عمّار بن یاسر، ابوالهیثم بن التیّهان، رفاعه بن رافع، مالک بن عجلان و ابویوب خالد بن زید/ابویوب انصاری) به بیعت با علی (ع) یاد کرده‌اند. گزارش ابن ابی الحدید به جهت وثاقت راوی معتبر است، از این روی به نظر می‌رسد

---

۱۷. به روایانی اطلاق می‌شود که به دروغ‌گویی و جعل حدیث متهم شده و یا به سبب دیگری جرح شده‌اند (ابن الصّلاح، ۱۴۲۳: ۲۴۶؛ ابوشهبّه، بی‌تا: ۴۱۲).

یعقوبی با اعتماد به وثاقت راوی و هم‌سویی روایت او با گرایش شیعی خود، این روایت را نقل کرده و به قصد پررنگ جلوه دادن شایستگی علی (ع) برای خلافت و به منظور بارز نشان دادن تمایل انصار به بیعت با او، اسامی آن‌ها را صرفاً محدود به سه تن دانسته و بقیه افراد را حذف کرده و حتی تصدی ایشان را هم به روایت افزوده باشد.

**روایت نهم:** بیعت همه مردم با علی (ع) جز سه تن از قریش (مروان بن حکم، سعید بن عاص و ولید بن عقبه) و دلایل استتکاف ایشان از زبان ولید بن عقبه و پاسخ علی (ع) است (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۷۸/۲-۱۷۹).

به نظر می‌رسد یعقوبی آن بخش از روایت را که ناظر به بیعت همه مردم جز سه تن از قریش است، از منابع ناشناخته اخذ کرده باشد؛ زیرا گزارشی که او از این افراد به دست داده در دیگر منابع یافت نمی‌شود. به گزارش ابن سعد چون عثمان کشته شده، فردای آن روز هفت تن از مردم (طلحه و زبیر، سهل بن حنیف، ابویوب انصاری، محمد بن مسلمة، زید بن ثابت و خزیمه بن ثابت) و تمام صحابه‌ای که در مدینه بودند و دیگران با علی (ع) بیعت کردند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۳/۳). اگرچه در این روایت از بیعت تمام صحابه با علی (ع) خبر داده شده؛ اما در منابع به عدم بیعت عده‌ای از ایشان با علی (ع) تصریح شده است (طبری، ۱۳۸۷: ۴۲۹/۴، ۴۳۰، ۴۳۱؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۱۲۱/۳).

افزون بر روایات ابن سعد و یعقوبی، در دیگر منابع نیز از بیعت همه مردم با علی (ع) (بلاذری، ۱۹۷۴: ۲۱۰/۲؛ ابن حبان، ۱۴۱۷: ۵۲۲/۲) و سخنانی که میان ایشان و علی (ع) ردّ و بدل شده<sup>۱۸</sup> خبر داده شده است. در خور ذکر است که جعفریان (۱۳۸۲: ۲۳۰/۲) با

---

۱۸. بر پایه گزارش‌های ابن قتیبه و دینوری آن‌گاه که علی (ع) مردم را برای آماده شدن و حرکت به عراق دعوت کرده، سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن عمر و محمد بن مسلمة به پیش وی آمده و علی (ع) به آن‌ها گفته: «سخنی سست از شما به من رسیده است که آن را برای شما نپسندیدم. سعد گفت: آنچه گفته‌اند درست است شمشیری به من بده که کافر را از مسلمان بازشناسد تا با آن شمشیر در رکاب تو جنگ کنم. عبدالله بن عمر هم گفت: ترا سوگند می‌دهم که

استناد به روایت یعقوبی و دیگر منابع (ابن سعد، بلاذری و ابن حبان) که از بیعت همه مردم و یا بیشتر آنان یاد کرده‌اند و نیز سخنانی که میان مردم و علی (ع) ردّ و بدل شده بر آن است که «احتمالا کسانی که با علی (ع) بیعت نکردند کسانی باشند که بعدها در جنگ جمل، صفین و نهروان شرکت نکردند، نه آن‌که در اصل خلافت با علی (ع) بیعت نکرده باشند». ابن عبدالبرّ (۱۴۱۲: ۱۱۲۱/۳) از اینان که بهانه معلوم نبودن طرف حق برای ایشان از همراهی علی (ع) سرباز زدند، با عنوان قاعدین یاد کرده‌است.

چنان‌که مذکور افتاد یعقوبی احتمالا به دلیل علائق شیعی و به منظور تأکید بر استحقاق علی (ع) برای خلافت به روایت فوق استناد کرده و متخلفان از بیعت را صرفا محدود به سه تن از قریش دانسته و از گزارش بقیه روایات صرف نظر کرده باشد. در باب بخش اخیر روایت که ناظر به دلایل استتکاف سه تن از قریش از زبان ولید بن عقبه و پاسخ علی (ع) است، جز از ابن ابی الحدید روایتی در دست نیست: او به نقل از امام باقر (ع) روایتی کمابیش متفاوت با یعقوبی آورده‌است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۳۸/۷-۳۹).

**روایت دهم:** نقش پنج تن از نمایندگان انصار (ثابت بن قیس شماس انصاری، خزیمه بن ثابت انصاری، صعصعه بن صوحان، مالک اشتر و عقبه بن عمرو) در بیعت با علی (ع) است (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۷۹/۲).

در منابع اساس این پژوهش، جز از ابن اعثم روایتی در دست نیست: او به نقل از راوی ناشناسی روایتی کمابیش مطابق با روایت یعقوبی آورده و از نقش انصار در بیعت با علی (ع)

---

مرا به چیزی که آن را نمی‌شناسم وادار مکن. محمد بن مسلمه هم گفت: پیامبر به من دستور فرمود با شمشیر خود مشرکان را بکشم و چون نمازگزاران کشته شوند شمشیر خود را به سنگ‌های کوه احد بزنم و بشکنم و من دیروز شمشیر خود را شکستم و هر سه نفر از پیش علی رفتند. سپس أسامة بن زید به حضور علی آمد و گفت: مرا از بیرون آمدن با خودت در این راه معاف دار که من با خداوند عهد کرده‌ام با کسانی که گواهی به وحدانیت خداوند می‌دهند جنگ نکنم» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰: ۷۲/۱-۷۳؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۱۴۲).

یاد کرده است. به روایت وی «جماعتی از انصار در مسجد به موافقت گفتند: ای مردمان می دانید عثمان با شما بر چه طریقت زندگی می کرد، اکنون که آن گذشت. فضیلت، کرامت و قرابت علی بن ابی طالب از آفتاب ظاهرتر است و انواع علوم و محاسن اخلاق که در ذات شریف او جاری است از شرح و بیان مستغنی است و انصار گفتند: در آن چه او تیمار کار خلافت دارد چه می اندیشید؟ جمله متفق القول گفتند: ما راضییم و او را مطیع و فرمانبرداریم...» (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۴۳۵/۲).

به این دلیل که منبع یعقوبی در این روایت مشخص نیست و گزارش ابن اعثم به جهت ناشناس بودنِ راوی ضعیف به شمار می آید، نمی توان به روایت یعقوبی خاصه نقش پنج تن از نمایندگان انصار در بیعت با علی (ع) حکم قطعی کرد.

**روایت یازدهم:** هواداری عایشه از طلحه: «عایشه در مکه بود و پیش از کشته شدن عثمان رفته بود پس چون حج خود را به انجام رسانید رهسپار مدینه شد و در بین راه بود که ابن امّ کلاب به او برخورد، پس به او گفت: عثمان چه کرد؟ گفت: کشته شد. گفت: دور و رانده باد. سپس گفت: مردم با که بیعت کردند؟ گفت: با طلحه. گفت: آفرین بر ذوالاصبع. گفت: به خدا سوگند دیگر باک نداشتم که آسمان به زمین آید. سپس به مکه بازگشت» (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۷۹/۲).

در منابع اساس این پژوهش، جز چهار روایت در دست نیست: ابن قتیبه (۱۴۱۰: ۷۱/۱) به نقل از راوی ناشناخته ای، بلاذری (۱۹۷۴: ۲۱۷/۲-۲۱۸) به نقل از عباس بن هشام کلبی و با واسطه از ابویوسف انصاری، طبری (۱۳۸۷: ۴۴۹/۴-۴۵۰) به مکاتبه از هتاد بن سَریّ و با واسطه از شعبی و ابن اعثم (۱۴۱۱: ۴۳۷/۲) به نقل از راوی ناشناخته ای گفته اند: «عایشه در مکه بود و به مدینه می آمد. در راه شنید که مردم با طلحه بیعت کرده اند، خشنود شد؛ اما وقتی شنید با علی (ع) بیعت شده از همان جا به مکه بازگشت و دادِ خون خواهی عثمان را سر داد.»

در باب عباس بن هشام بن سائب کلبی و جایگاه روایی او اطلاعاتی در دست نیست؛ اما چنان‌که دانسته‌است تنی چند از افراد این خاندان، ابونضر محمد بن سائب بن بشر کلبی (د ۱۴۶هـ)، فرزندش، ابومُنذر هشام بن محمد بن سائب کلبی (د ۲۰۴ یا ۲۰۶هـ) و عباس بن هشام بن سائب کلبی که بلاذری از وی روایت کرده، یکی از خاندان‌های شیعی یا دست کم با گرایش‌های شیعی به شمار آمده‌اند<sup>۱۹</sup> و احتمالاً عباس نیز همانند برخی از افراد خاندانش (هشام و محمد)<sup>۲۰</sup> به دلیل پایبندیش به روش‌های تاریخی و نیز به دلیل گرایش‌های شیعی مورد طعن اهل حدیث قرار گرفته باشد.

از آنجا که همه منابع این رویداد را به صورت مطلوب گرایش یعقوبی نقل کرده‌اند، یعقوبی روایتی حاوی مضمون آن روایات را گزارش کرده؛ اما مایه شگفتی است که چرا بخش اخیر روایت که ناظر به خون‌خواهی عایشه است در تاریخ او حذف شده یا مغفول مانده‌است؟ به نظر می‌رسد یعقوبی درصدد بوده تا گرایش مذهبی خود را تا حدی پوشیده دارد و خود را گزارش‌گری بی‌طرف نشان دهد؛ چندان‌که در موضوع اعطای رایت در غزوه خَیبر نیز از ناکامی شیخین در گشودن قلعه قَمُوص (از قِلاع خَیبر) و در هنگام عزیمت پیامبر (ص) به غزوه تبوک (نهم هـ) و گماردن علی (ع) به جای خود در مدینه از حدیث منزلت سخن نگفته (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۵۶/۲، ۶۷، ۷۵) تا مبادا از سوی مخالفانش به هواداری متهم شود.

#### نتیجه

از مباحثی که در این پژوهش بازتاب یافته، به نتایج ذیل دست می‌یابیم:

۱۹. به گزارش ابن سعد، جد محمد، بشر بن عمرو و فرزندانش سائب، عبید و عبدالرحمان در جنگ جمل در کنار علی (ع) می‌جنگیدند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۴۱/۶).

۲۰. منابع رجالی سنی و کتب تراجم، هشام را «ضعیف»، «متروک الحدیث» و «رافضی غیر ثقه» دانسته (یاقوت حموی، ۱۹۹۳: ۲۷۹۹/۶؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۴۲۹/۵-۴۳۰؛ همو، بی‌تا: ۷۱۱/۲) و محمد را «سبّایی» (رافضی)، «متهم به کذب» و «متروک الحدیث» به شمار آورده‌اند (ابن عدی، ۱۴۱۸: ۲۶۷/۷-۲۶۷؛ سمعانی، ۱۳۸۲: ۱۳۴/۱۱؛ ذهبی، بی‌تا: ۵۸۴/۲).

۱. یعقوبی در درباره تاریخ شروع خلافت امام علی (ع) و بیعت با او، یازده روایت فاقد سند را گزارش کرده است.
۲. با بررسی دیگر منابع و سیزده تن از منابع او (جعفر بن عبدالله، احمد بن ثابت رازی، زکریا بن عدی، حارث بن اسد محاسبی و...) آشکار می‌شود که زید بن صُوحان (د ۳۶ هـ)، هشام بن سائب کلبی (د ۲۰۴ یا ۲۰۶ هـ) و عباس بن هشام کلبی (د نامشخص) از روایان شیعی یا دست کم با تمایلات شیعی به شمار آمده‌اند.
۳. امام باقر (ع) (د بین ۱۱۴-۱۱۸ هـ) و جعفر بن عبدالله بن حکم سنان مدنی (د نامشخص) از مشایخ باواسطه یعقوبی بیشترین مقدار روایات را به خود اختصاص داده‌اند.
۴. به رغم آن که یعقوبی در هواداری از شیعه و در جهت نشان دادن مخالفت عایشه در قبال انتخاب امام علی (ع) به موضوع حمایت عایشه از طلحه پرداخته؛ اما از بیان خون‌خواهی عایشه غفلت کرده و یا روایات او حذف شده است.
۵. روایات یعقوبی در باب سال، ماه و روز کشته شدن عثمان (جز سه شنبه روز به خلافت رسیدن امام علی (ع))، بیعت طلحه و زبیر و مهاجران و انصار، نخستین بیعت‌کننده (طلحه)، بیعت مالک اشتر، بیعت طلحه و زبیر (روایت چهارم)، بیعت انصار (ابوالهثیم بن تیهان و...)، دلایل استتکاف قریش از زبان ولید بن عقبه و حمایت عایشه از طلحه هم‌سو با سایر منابع و معتبر است؛ با این تفاوت که یعقوبی به حکم گرایش شیعی خود، به طرفداری از امام علی (ع) و در جهت پررنگ جلوه دادن شایستگی وی برای خلافت و علاقه مهاجرین و انصار به بیعت با او، بخش‌های مطلوب خود را از روایات برگزیده و نقل کرده یا به روایات افزوده است.
۶. به روایات یعقوبی در باب بیعت همه مردم جز سه تن از قریش (مروان بن حکم و...) و نقش پنج تن از نمایندگان انصار (ثابت بن قیس، خزیمه بن ثابت و...) به دلایل ناشناس بودن منبع او، مغایرت با سایر منابع و یا دلایل ناشناخته دیگر نمی‌توان اطمینان یافت و صدور حکم قطعی در صحت یا سقم یا مجعول بودن روایات دشوار است.

## کتابنامه

- ابن ابی الحديد، عبد الحميد هبة الله (١٤٠٤). شرح نهج البلاغه. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
- ابن اعثم، ابو محمد كوفي (١٤١١). الفتوح. تحقيق على شيري، بيروت: دارالاضواء.
- ابن حبان، ابوحاتم بُستي (١٣٩٣ق). الثقات. حيدر آباد دکن: المعارف العثمانية.
- همو، (١٤١٧). السيرة النبوية و اخبار الخلفاء. تصحيح و تعليق السيد عزيز بكر و جماعة من العلماء، بيروت.
- ابن حَجَر، احمد بن علي عَسقلاني (١٣٢٥). تهذيب التهذيب. بيروت: دارصادر.
- ابن سعد، محمد (١٤١٠). الطبقات الكبرى. تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن الصلاح، عثمان بن عبدالرحمان (١٤٢٣). معرفة انواع علوم الحديث. بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن عبدالبَرّ، يوسف بن عبدالله (١٤١٢). الاستيعاب في معرفة الاصحاب. تحقيق على محمد بجاوي، بيروت: دارالجيل.
- ابن عَدِي، ابومحمد جرجاني (١٤١٨). الكامل في ضعفاء الرجال. تحقيق عادل احمد عبدال موجود و على محمد معوض، شارك في تحقيقه عبدالفتاح ابوسنة، بيروت\_ لبنان: الكتب العلمية.
- ابن قُتَيْبَة، ابومحمد عبدالله بن مسلم دينوري (١٤١٠). الامامة و السياسة. تحقيق على شيري، بيروت: دارالاضواء.
- ابوحاتم، حَنْظَلِي رازي (١٢٧١). الجرح و التعديل. بيروت: دار احياء التراث العربي.
- ابوشَّهْبَة، محمد بن سُؤْلِيم (بي تا). الوسيط في علوم و مصطلح الحديث. دارالفكر العربي.
- بلاذري، احمد بن يحيى (١٩٧٤). انساب الاشراف. تحقيق محمد باقر محمودي، بيروت: مؤسسه الاعلمي للمطبوعات.
- ثعالبي، عبدالملك بن محمد (١٤١٣). يتيمة الدهر في محاسن اهل العصر. تحقيق مفيد محمد قمحيه، بيروت، لبنان: دارالكتب العلمية.
- جعفریان، رسول (١٣٨٢). تاريخ سياسي اسلام، تاريخ خلفا از رحلت پیامبر (ص) تا زوال امويان (١١-١٣٢هـ). قم: دليل ما.
- حاجي زاده، يدالله (١٣٩٣). «استنكاف ابتدائي و پذيرش نهايي خلافت از سوى امام علي (ع)». فصل نامه علمي شيعه شناسي، ١٢(٤٦).
- خطيب بغدادی، احمد بن علي (١٤١٧). تاريخ بغداد. تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية.



- خلیفة بن خیطاط، ابو عمرو و ابی هبیره اللیثی العصفری الملقب بشباب (۱۴۱۵). تاریخ خلیفه. تحقیق فوزان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳). معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة. دارقطنی، ابوالحسن علی بن دینار بغدادی (۱۴۰۳). الضعفاء و المتروکون. تحقیق عبدالرحیم محمد القشقر، مدینه: مجلة الجامعة الاسلامیة.
- دیار بکری، حسین (بی تا). تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس. دارصادر.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۸). الاخبار الطوال. تحقیق عبدالمنعم عامر، مراجعه جمال الدین شبالی، قم: منشورات الرضی.
- ذهبی، شمس الدین (۱۳۸۲ق). میزان الاعتدال فی نقد الرجال. تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دارالمعرفه.
- همو (۱۴۲۷). سیر اعلام النبلاء. قاهره: دارالحدیث.
- همو (بی تا). المغنی فی الضعفاء. تحقیق نورالدین عتر.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹). الاعلام (قاموس تراجم الأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین). بیروت، لبنان: دارالعلم للملایین.
- سجادی، صادق، عالم زاده، هادی (۱۳۸۲). تاریخ نگاری در اسلام. تهران: سمت.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۳۸۲ق). الانساب. تصحیح عبدالرحمن یحیی معلمی، هند - حیدرآباد: مطبعة دارالمعارف العثمانیان.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳). رجال الطوسی. تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق). تاریخ الامم و الملوک. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- عاصی، حسین (۱۹۹۲). الیعقوبی، عصره سیره حیات، منهجه تاریخی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- العاملی، حسن بن عبدالصمد (بی تا). وصول الاختیار الی اصول الاخبار. تحقیق سید عبداللطیف، کوهکمری، مجمع الذخائر الاسلامیه: مطبعة الخیام.
- علی الجعفری، یاسین ابراهیم (۱۹۸۰). الیعقوبی، المؤرخ و الجغرافی. الرشید.
- کحّاله، عمر رضا (۱۳۷۶). معجم المؤلفین. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ (۱۳۷۹). تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی. ترجمه

- ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریمی، علی (۱۳۸۵). «چگونگی بیعت با امام علی (ع)». مجله تاریخ اسلام، ش ۲۷.
- مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۰۹). *مُروج الذهب و معادن الجواهر*. تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجره.
- همو، (بی تا). *التنبیه و الاشراف*. تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهرة: دارالصاوی.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*. تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا). *الفهرست*. بیروت: دارالمعرفه.
- یاقوت حموی، شهاب الدین (۱۹۹۳). *معجم الادباء*، تحقیق احسان عباس، بیروت: دارالکتب الحدید.
- همو (بی تا). *معجم البلدان*. بیروت: لبنان.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۷۹ق). *تاریخ الیعقوبی*. بیروت: دارصادر.
- همو (۱۳۷۴). *تاریخ الیعقوبی*. ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Berg, Herbert (2003). *Method and Theory in the Study of Islamic Origins*. Leiden: Boston.
- El-Hibri, Tayeb (2010). *Parable and Politic in Early Islamic History: The Rashidun Caliphs*. Newyork: Columbia University Press.
- Humphreys, R.Stephen (1986), "TA'RIKH", *Encyclopedia of Islam*, second edition, Brill, Leiden, 271-280.
- Zaman, Muhammad Qasim (1986). "AL-YA'KUBI", *Encyclopedia of Islam*. Second edition, Brill: Leide. 257-258.